فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و یکم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۱۶۴-۱۴۷

تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه

ابوالفضل شاه‌آبادی
عضو هیأت‌علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان
shahabadia@gmail.com

نیما نیلفروشان
دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)
nimanilforoushan@gmail.com

مریم خالقی
دانشجوی کارشناسی‌ارشد مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی راغب اصفهانی
m.khaleghi15756@gmail.com

در این پژوهش با استفاده از داده‌های پنل به‌دنبال بررسی این موضوع می‌باشیم که آیا مؤلفه‌های حکمرانی رشد بیکاری را در دو گروه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۶) به‌صورت معناداری متأثر می‌سازند یا خیر؟ بنابراین به‌منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق پس از انجام آزمون ایستایی متغیرها از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای تخمین مدل استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از اثر منفی و به‌لحاظ آماری معنادار شاخص‌های حکمرانی (بجز شاخص شفافیت و پاسخگویی و کیفیت مقررات تنظیمی در کشورهای درحال‌توسعه) بر رشد بیکاری در هر دو دسته از کشورهای مورد مطالعه می‌باشد. در واقع، یافته‌ها بر این مسئله دلالت دارند که بهبود هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی تغییرات مثبتی را در جهت کاهش بیکاری کشورهای مورد مطالعه توسعه‌یافته و درحال توسعه برجای می‌گذارد.

طبقه‌بندی JEL: *C33, E24, H11, N3*.
واژه‌های کلیدی: *مؤلفه‌های حکمرانی، بیکاری، کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه، داده‌های پنل.*

* **تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/٤/۱۸** **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۳**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

۱. مقدمه

بیکاری یکی از بزرگترین معضلاتی است که توازن و تعادل جامعه را برهم می‌ریزد و باعث ایجاد بحران‌های متعدد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی می‌گردد. بدیهی است نخستین تأثیر بیکاری کاهش درآمد است و کاهش درآمد نه‌تنها یک فرد و یک خانواده بلکه کل جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، از دست رفتن فرصت پیشرفت اقتصادی به وجود آمدن خلاء در جامعه، حذف چرخه تولید و وابستگی به تولیدات خارجی با کاهش تولید از دیگر تبعات بیکاری در ابعاد اقتصادی است (شریفی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، زمانی‌که فردی کاری نمی‌کند احساس نشاط و شادابی نیز نخواهد داشت. در واقع، فعالیت‌های شغلی پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و روانی فرد است و بیکاری از تمام جهات فرد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

با نگاهی سیاسی و امنیتی به پدیده بیکاری می‌توان بیکاران را لشگر ذخیره اغتشاش دانست. امروزه میان موضوع بیکاری و سایر مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی ارتباط غیرقابل انکاری وجود دارد و این مقوله می‌تواند آثار زیانبار سیاسی و امنیتی به همراه داشته و موجب تغییرات اساسی در صحنه سیاسی کشورها گردد، بنابراین بیکاری شاهراه اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اجتماعی، روانی، اقتصادی جامعه را برطرف می‌سازد.

بر اساس شواهد موجود در اواسط قرن ۱۸ و مقارن با آغاز انقلاب صنعتی در اروپا تا به امروز بحث‌های بسیاری در سراسر جهان پیرامون کاهش بیکاری و دستیابی به اشتغال کامل میان صاحبنظران، اندیشمندان و حاکمان منطقه‌ای صورت گرفته است و اگرچه تفاوت‌هایی در دیدگاه، نظریه‌ها و سیاستگذاری‌ها میان آنها وجود دارد، اما همواره افزایش اشتغال، درآمد سرانه، افزایش امید به زندگی و کیفیت زندگی بالاتر برای شهروندان، ریشه‌کن کردن فقر و کاهش نابرابری‌ها مورد تأکید همگان بوده است. در این میان، عده‌ای تنها راه کاهش بیکاری و رسیدن به اشتغال کامل را برقراری مکانیزم بازار و کارکرد دست نامرئی آدام اسمیت می‌دانستند و گروهی دیگر بر مداخله دولت در اقتصاد جهت ایجاد اشتغال تأکید می‌کردند.

با پیدایش و رواج مکتب نهادگرایی از اواسط دهه ۱۹۹۰ و توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مؤلفه‌های حکمرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کنترل رشد بیکاری مطرح گردید. در این چارچوب مسأله ابعاد دولت یا کوچک‌سازی دولت نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داده است. بسیاری از اقتصاددانان از جمله تایدی و هگرد (۲۰۱۱)، چادری و همکاران (۲۰۰۹)، محمد و استروبل (۲۰۰۷)، رودریک (۲۰۰۴)، مئون و ویل (۲۰۰۵)،

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

کافمن و دیگران (۲۰۰۴)، تنزی و اسچوکنت (۱۹۹۷) و... اشاره می‌کنند حکمرانی یک موضوع اساسی در راهبرد اشتغال کشورهایی است که در کنترل بیکاری و ایجاد اشتغال عملکرد آنها ضعیف است. به عبارت دیگر، این مطالعات نشان داد مسأله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان موضوع کلیدی توسعه است و می‌بایست در تمام کشورها مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که حکمرانی خوب بسترساز توسعه‌ای پایدار و بلندمدت است ضرورت دارد تأثیر حکمرانی بر مؤلفه بیکاری بررسی شود، بنابراین در این پژوهش به این موضوع می‌پردازیم که آیا بهبود مؤلفه‌های حکمرانی، رشد بیکاری را در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۶) تحت‌تأثیر خود قرار داده است یا خیر؟ به این منظور و برای نتیجه‌گیری‌های دقیق‌تر از دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تطبیق و مقایسه اثر مؤلفه‌های حکمرانی بر رشد بیکاری استفاده خواهیم نمود.

با پاسخگویی به پرسش فوق می‌توان توصیه‌های سیاستی مناسبی را برای سیاستگذاران اقتصادی فراهم آورد تا از طریق بهبود هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی، بهره‌برداری کامل و مناسبی از منابع انسانی هر کشور صورت پذیرد. از این رو، در بخش دوم مبانی نظری و مطالعات تجربی ارائه می‌گردد، سپس در بخش سوم به معرفی مدل، تشریح متغیرها و داده‌ها پرداخته می‌شود. در بخش چهارم تخمین مدل و تجزیه و تحلیل آماری ضرایب انجام می‌شود و در نهایت در بخش پنجم نتیجه‌گیری و نکات سیاستی بیان می‌گردد.

۲. مبانی نظری و مطالعات تجربی

اقتصاددانان همواره بر عوامل متعدد کنترل‌کننده بیکاری تأکید و تمرکز نموده‌اند. عده‌ای تنها برقراری مکانیزم بازار و کارکرد دست نامرئی آدام اسمیت را مهم‌ترین عامل کاهش بیکاری و دستیابی به اشتغال کامل می‌دانند و گروهی دیگر با پیروی از اندیشه‌های اقتصاددان معروف جان مینارد کینز بر مداخله دولت در اقتصاد جهت ایجاد اشتغال تأکید می‌کنند، اما در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰ شماری از مطالعات نظیر ساین (۱۹۸۶)، ایحلانفلد و بوهم (۱۹۸۷)، اسلودل (۱۹۸۸)، مورفی (۱۹۸۹)، کلیراجان (۱۹۹۲) و همچنین بررسی‌های بانک جهانی در بسیاری از کشورهای آفریقایی روشن نمود که نحوه مدیریت کشور (حکمرانی) یک موضوع اساسی در کنترل بیکاری و راهبرد توسعه کشورها است. حکمرانی دارای مفهوم گسترده‌ای است که با حوزه‌هایی همچون امنیت اقتصادی، سیاست،

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. عناصر حکمرانی در شش شاخص تعریف می‌شود که هر یک از آنها بیکاری را از کانال‌های مختلفی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

– پایداری سیاسی: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می‌پردازد. از آنجا که تولید عامل اصلی ایجاد اشتغال است، محدود نمودن آن عامل رشد بیکاری در کشورها به‌حساب می‌آید. ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی بخش مهمی از منابع و کارآفرینان اقتصادی را از فعالیت‌های مولد اقتصادی باز داشته و به‌جای بزرگ نمودن کیک اقتصادی (تولید)، درگیر خلق و توزیع رانت و در واقع تسهیم کیک اقتصادی موجود می‌نماید. نتیجه این امر، عدم افزایش فعالیت‌های تولیدی در راستای دستیابی به نرخ اشتغال بالا، ایجاد ثروت و گسترش رفاه در جامعه می‌باشد (استیگلیتز، ۱۹۸۶).

– کنترل فساد: این مؤلفه بیانگر استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی می‌باشد. فساد از راه‌های مختلفی پیامدهای منفی بر اشتغال می‌گذارد. افزایش فساد اداری با کاهش هزینه‌های سازنده و زیربنایی بودجه و در عوض افزایش هزینه‌های غیرضروری دولت سبب افزایش بیکاری در جامعه می‌شود (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). به‌علاوه اینکه نیروی انسانی را به مشاغل کاذب سوق داده و از فعالیت‌های سازنده دور می‌سازد، همچنین فساد از طریق افزایش هزینه‌های تولید، افزایش درآمدهای نامشروع، ایجاد شکاف میان عرضه و تقاضا، به‌وجود آمدن فرصت‌های سودجویی برای دلالان و کاهش درآمدهای دولتی و انحراف این درآمدها از مسیر اصلی خود منجر به از بین رفتن فرصت‌های شغلی فراوان و به‌دنبال آن کاهش رشد اقتصادی در جامعه می‌گردد (علیزاده‌ثانی و فانی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، گسترش فساد سبب بالا رفتن ریسک در جامعه، پایمال شدن حقوق افراد، تخصیص نادرست منابع کمیاب و معاف شدن از مجازات می‌شود و سرمایه‌گذار مستقیم خارجی را تشویق به خروج می‌کند که در تمام این موارد امنیت شغلی افراد جامعه نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد و رشد بیکاری نیز افزایش می‌یابد (کوستا، ۱۹۸۵).

– تأمین قضایی و حاکمیت قانون: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است. تأکید بر تأمین قضایی، حفظ و تقویت دادگاه‌ها و قضات عادل و با انصاف از یک سو با حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و فکری و ضمانت اجرای قراردادها انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه و مبتکرانه را که عوامل مهمی در ایجاد اشتغال هستند، افزایش می‌دهد (بارو، ۱۹۹۶). شایان ذکر است این دو مؤلفه از طریق ایجاد محصولات جدید، بهبود کیفیت آنها و بازارسازی علاوه بر اینکه زمینه اشتغال افراد زیادی را فراهم می‌کند بر قدرت رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و ثبات آن می‌افزاید. از سوی دیگر،

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

حاکمیت قانون از طریق ایجاد محیطی با اطمینان، آرام و باثبات برای کارآفرینان سبب پایه‌گذاری فعالیت‌های شغلی جدید می‌گردد که با کاهش هزینه‌ها، ضایعات، اتلاف منابع و افزایش بازده همراه می‌باشند.

– کیفیت مقررات: بر سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر اجرای صحیح و به‌موقع سیاست‌ها و همچنین مقرراتی برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی. عدم اجرای دقیق و تدوین نامناسب مقررات سبب می‌شود فعالان اقتصادی دچار نوعی سردرگمی حاصل از این مقررات شوند و در محیطی نامناسب از فضای کسب و کار قرار گیرند که می‌تواند کارفرمایان و شاغلان بسیاری را با مشکلاتی بیش از پیش مواجه سازد (برونتی و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین، عدم تدوین مقررات با کیفیت و شفاف از طریق خروج سرمایه‌های داخلی باعث کاهش فعالیت‌های تولیدی و افزایش بیکاری در جامعه می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶).

– کارایی و اثربخشی دولت: کارامدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد. انجام وظایف محول شده همچون تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز در فرایند تولید همچون جاده‌ها، خطوط ریلی، سدها، آموزش همگانی، تأمین بهداشت شهروندان، تسهیل و انتقال فناوری و ... و از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی برای بنگاه‌ها موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولید و در نهایت رشد اشتغال خواهد شد (کلاگو و همکاران، ۱۹۹۶).

– حق اظهارنظر، شفافیت و پاسخگویی: به این معنا که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد پرسش و بازخواست قرار دهند. این مؤلفه‌ها از طریق افزایش کارایی بازارها، کشف قیمت واقعی، تخصیص بهینه منابع سرمایه‌ای، حذف رانت‌های اطلاعاتی، انتقال دارایی‌های نقد به سمت فعالیت‌های تولیدی، ایجاد بازار مدیران حرفه‌ای، کاهش ریسک فعالیت‌های تولیدی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند محیطی به دور از هرگونه تهدیدی را برای فعالان اقتصادی در سطح خرد و هم اقتصاد ملی فراهم نموده که سطح اشتغال یک کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه به برخی از مطالعات انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود:

سامانتا و روی (۲۰۰۹) به بررسی این پرسش می‌پردازند که آیا مؤلفه‌های حکمرانی بر رشد بیکاری تأثیر داشته است یا خیر؟ این مطالعه با استفاده از داده‌های ۱۲۰ استان کشور هند طی دوره زمانی (۲۰۰۸– ۲۰۰۷) انجام شده است. متغیر وابسته در این مدل رشد بیکاری می‌باشد که تابعی از متغیرهای کنترل برون‌زا و متغیرهای حکمرانی (پایداری سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، تأمین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

قضایی و حاکمیت قانون، حق اظهارنظر، شفافیت و پاسخگویی و کنترل فساد) می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته‌اند، همچنین آنها وجود شواهدی مبنی بر اهمیت حکمرانی خوب برای توسعه اقتصادی این استان‌ها را تأیید می‌کنند.

پورته (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا حکمرانی خوب رشد اشتغال را تحت تأثیر خود قرار داده است یا خیر؟ این مطالعه با استفاده از داده‌های ۱۴ کشور منتخب توسعه‌یافته طی دوره زمانی (۲۰۰۴- ۱۹۹۹) انجام شده است. متغیر وابسته در این مدل رشد هزینه‌های دولت برای ایجاد اشتغال می‌باشد که تابعی از متغیرهای کنترل برون‌زا و متغیرهای حکمرانی در نظر گرفته شده است. متغیرهای حکمرانی شامل کیفیت قوانین، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد هزینه‌های ایجاد اشتغال در کشورهایی که مؤلفه‌های حکمرانی در آنها تقویت شده است به مراتب بیشتر از کشورهایی است که در بهبود مؤلفه‌های حکمرانی ضعیف عمل نموده‌اند.

بادون (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا تضمین کیفیت حکمرانی در کاهش بیکاری و رشد اقتصادی کرواسی حائز اهمیت بوده است؟ این مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات ۲۵ کشور (شامل دو گروه ۱۴ کشور اتحادیه اروپا[1] و ۱۱ کشور درحال گذار اروپای شرقی) و برای چهار دوره زمانی (۱۹۹۶- ۱۹۹۵)، (۱۹۹۸- ۱۹۹۷)، (۲۰۰۰- ۱۹۹۹) و (۲۰۰۲- ۲۰۰۱) صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پویایی و طبیعت اصلاحات در مدیریت عمومی و خدمات مدنی کرواسی ضروری است، زیرا قدرت کرواسی به کسانی واگذار شده است که بیش از متوسط دیگر کشورهای اتحادیه اروپا بر رانت‌جویی متمرکز شده‌اند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که نواقص نهادی از جمله فساد بر سطح تولید ناخالص داخلی (سرانه) و اشتغال کرواسی اثر گذاشته است.

گرچه مطالعات داخلی متعددی در زمینه حکمرانی، بیکاری، عوامل مؤثر بر آنها و تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها بر متغیرهای اقتصادی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به حکمرانی رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹) تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD (کمیجانی و سلاتین، ۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط (مهدوی‌عادلی و همکاران، ۱۳۸۷)، حکمرانی خوب بنیان توسعه (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳)، بررسی رابطه میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی (خادم، ۱۳۸۷)، بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های (۱۳۶۳-۱۳۸۳) (مقداری، ۱۳۸۷) اشاره نمود، اما تاکنون مطالعه جامعی در خصوص تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری انجام نشده است.

---

۱. اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هلند، ایرلند، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلستان.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

۳. مدل، متغیرها داده‌ها

۳-۱. تشریح مدل و متغیرها

مدل پنل پویایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است به‌صورت زیر می‌باشد:

$$\Delta\log U_{it} = C + \alpha_1 VA_{it} + \alpha_2 PS_{it} + \alpha_3 GE_{it} + \alpha_4 RQ_{it} + \alpha_5 RF_{it} + \alpha_6 CC_{it} + \beta_1 \Delta\log P_{it} + \beta_2 \Delta\log l_{it} + \beta_3 \Delta\log W_{it} + \beta_4 \Delta\log G_{it} + \Delta\log U_{it-1} + u_{it} \quad (۱)$$

$$i= 16,\ t = 15$$

معادله فوق به‌صورت نرخ رشد محاسبه شده است و عبارت $\Delta\log$ پیش از نام متغیرها گواه این مطلب است. در این معادله $\Delta\log U_{it}$ متغیر وابسته است که نشان‌دهنده رشد بیکاری است. اندیس t اشاره به دوره زمانی مورد بررسی دارد و اندیس i نیز نشان‌دهنده تعداد کشورهای مورد بررسی است. u_{it} نشان‌دهنده جزء خطا می‌باشد. متغیرهای مورد استفاده و نماد اختصاری آنها در جدول (۱) نمایش داده شده است.

جدول ۱. نام، نماد و منابع آماری متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

نوع متغیر	نماد	نام
متغیر وابسته	$\Delta\log U$	نرخ رشد بیکاری
متغیرهای اصلی (مؤلفه‌های حکمرانی)	VA	شفافیت و پاسخ‌گویی
	PS	ثبات سیاسی
	GE	اثربخشی دولت
	RQ	کیفیت مقررات
	RF	حاکمیت قانون
	CC	کنترل فساد
متغیرهای کنترلی	$\Delta\log I$	نرخ رشد جمعیت
	$\Delta\log P$	نرخ رشد تورم
	$\Delta\log W$	نرخ رشد دستمزد
	$\Delta\log G$	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (سرانه)
متغیر وابسته باوقفه	$\Delta\log U_{it-1}$	نرخ رشد بیکاری دوره قبل

Source: www.govindicators.org, www.worldbank.org, www.worldbank.org.

در این مطالعه با پیروی از مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این حوزه چهار متغیر به‌عنوان متغیرهای کنترلی برون‌زا در مدل لحاظ شده‌اندکه این متغیرها شامل نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (سرانه)،

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

نرخ رشد دستمزد، نرخ رشد تورم و نرخ رشد جمعیت می‌باشند. با استفاده از این متغیرها قادر خواهیم بود وضعیت اقتصاد، وضعیت بازار کار و تحولات جمعیتی را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین، شش متغیر به‌عنوان متغیرهای حکمرانی در مدل لحاظ شده‌اند.

شاخص‌های جهانی حکمرانی پس از سال ۱۹۹۶ هر ساله توسط سه تن[1] از محققان بانک جهانی تولید می‌شود این منابع اطلاعاتی بر اساس نظرسنجی از شرکت‌ها و افراد، ارزیابی آژانس‌های رتبه‌بندی ریسک‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی و نیز تعدادی از آژانس‌های کمک‌های چندجانبه و سازمان‌های بخش دولتی به‌وجود می‌آید. شش شاخص کلی مورد اشاره بر اساس صدها متغیر جزئی و خاص پایه‌ریزی شده‌اند و ابعاد متنوع حکمرانی را اندازه‌گیری می‌کند. محققان این سازمان بین‌المللی داده‌های خام و پرسشنامه‌های حکمرانی را از ۳۵ منبع اطلاعاتی که به‌وسیله ۳۳ سازمان مختلف در سرتاسر دنیا فراهم می‌شود، دریافت می‌کنند. پس از آن، این محققان با استفاده از این اطلاعات گسترده بر اساس یک سری معادلات اقتصادسنجی اقدام به برآورد نقطه‌ای شاخص‌های حکمرانی و محاسبه انحراف استاندارد خط رگرسیونی هر جنبه از حکمرانی می‌نمایند. در واقع، شاخص‌های حکمرانی جنبه‌های گوناگون اداره و عملکرد بخش عمومی، خصوصی، تخصص‌ها و کارایی در هر کشور را منعکس می‌کند. بر این اساس، دامنه اعداد ۶ شاخص حکمرانی بین ۲/۵ تا ۲/۵- اندازه‌گیری می‌شوند، به‌طوری‌که اعداد بزرگتر نشان‌دهنده پیامدهای بهتر نهادهای حکمرانی هستند.

۳-۲. داده‌ها

در این مطالعه دوره مشاهدات طی سال (۲۰۱۰-۱۹۹۶) می‌باشد. همچنین، کشورهای مورد بررسی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل ۱۶ کشور توسعه یافته (حکمرانان خوب)[2] و دسته دوم ۱۶ کشور درحال‌توسعه (حکمرانان ضعیف)[3] را در بر می‌گیرد. کشورهای مورد مطالعه بر اساس میانگین شاخص‌های حکمرانی طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۶) و بر اساس سایر اطلاعات موجود از قبیل اطلاعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از بین سایر کشورهای جهان انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از این طبقه‌بندی در جدول (۲) نمایش داده شده است.

1. Kaufmann, D. Kraay, A. & P. Zoido-Lobatón

۲. کشورهایی که میانگین شاخص کل حکمرانی آنها بالاتر از صفر است در گروه حکمرانان خوب طبقه‌بندی شده‌اند.

۳. کشورهایی که میانگین شاخص کل حکمرانی آنها پایین‌تر از صفر است در گروه حکمرانان ضعیف طبقه‌بندی شده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

جدول ۲. متوسط شاخص‌های حکمرانی طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۶)

متوسط شاخص‌های حکمرانی	رتبه جهانی	کشورهای درحال توسعه	متوسط شاخص‌های حکمرانی	رتبه جهانی	کشورهای توسعه‌یافته
(۱) -۰/۰۵۶	۵۶	ترکیه	(۱) ۱/۷۴	۱	فنلاند
(۲) -۰/۱۶	۵۸	پرو	(۲) ۱/۷۱	۲	لوکزامبورگ
(۳) -۰/۱۸۹	۶۰	ارمنستان	(۳) ۱/۶۴	۳	دانمارک
(۴) -۰/۲۸	۶۴	مصر	(۴) ۱/۵۸	۴	سوییس
(۵) -۰/۳۵	۶۷	کلمبیا	(۵) ۱/۵۷	۵	نیوزیلند
(۶) -۰/۳۷	۶۸	نپال	(۶) ۱/۵۴	۶	اتریش
(۷) -۰/۳۹	۷۰	آلبانی	(۷) ۱/۵۳	۷	نروژ
(۸) -۰/۵۱	۷۱	اکوادور	(۸) ۱/۵۲	۸	ایرلند
(۹) -۰/۶۶	۷۲	کوبا	(۹) ۱/۴۵	۹	استرالیا
(۱۰) -۰/۶۸	۷۳	اکراین	(۱۰) ۱/۴۲	۱۰	آلمان
(۱۱) -۰/۷۸۲	۷۶	نیجریه	(۱۱) ۱/۴۰	۱۱	کانادا
(۱۲) -۱/۰۲	۷۷	ایران	(۱۲) ۱/۳۴	۱۲	هلند
(۱۳) -۱/۰۸	۸۰	آذربایجان	(۱۳) ۱/۳۱	۱۳	انگلیس
(۱۴) -۱/۰۹	۸۱	پاراگوئه	(۱۴) ۱/۲۸	۱۴	آمریکا
(۱۵) -۱/۱۲	۸۲	گرجستان	(۱۵) ۱/۲۴	۱۵	بلژیک
(۱۶) -۱/۱۵	۸۴	الجزایر	(۱۶) ۱/۱۷	۱۶	فرانسه
-۰/۶۱۷	-	میانگین کشورهای درحال توسعه	۱/۴۶	-	میانگین کشورهای توسعه‌یافته

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده رتبه کشورها در متوسط شاخص‌های حکمرانی میان هر دسته از کشورهای مورد مطالعه می‌باشد.
مأخذ: www.worldbank.org.

٤. تخمین و تفسیر نتایج

به‌منظور بررسی ایستا بودن متغیرها در طول زمان از آزمون فیشر با استفاده از روش دیکی- فولر تعمیم‌یافته[1] و ایم، پسران و شین[2] استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول (۳) نمایش داده شده است. مطابق با نتایج این جدول (۳) فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد یا ناایستایی متغیرهای کشورهای درحال توسعه رد می‌شود. همچنین، فرضیه صفر برای تمام متغیرهای کشورهای توسعه‌یافته نیز رد می‌شود.

1. Fisher Test with Using an Augmented Dickey-Fuller Test
2. Im, Pesaran and Shin

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد بررسی کشورهای منتخب درحال‌توسعه و توسعه‌یافته

متغیرها	کشورهای درحال توسعه				کشورهای توسعه‌یافته			
	آزمون دیکی- فولر تعمیم‌یافته		آزمون ایم، پسران و شین		آزمون دیکی - فولر تعمیم‌یافته		آزمون ایم، پسران و شین	
	احتمال	آماره X^2	احتمال	آماره X^2	احتمال	آماره X^2	احتمال	آماره X^2
رشد بیکاری	۰/۰۰۰	۲۶۲	۰/۰۰۰	-۱۰	۰/۰۰۰	۲۹۱	۰/۰۰۰	-۱۱/۱
مبارزه با فساد	۰/۰۰۰	۱۳۶	۰/۰۰۰	-۷/۴	۰/۰۰۰	۹۶	۰/۰۰۰	-۷/۸
ثبات سیاسی	۰/۰۰۰	۱۴۶	۰/۰۰۰	-۴/۲	۰/۰۰۰	۱۰۹	۰/۰۰۰	-۴/۸
حاکمیت قانون	۰/۰۰۰	۲۲۶	۰/۰۰۰	-۷/۳	۰/۰۰۰	۹۵	۰/۰۰۰	-۵/۱۷
شفافیت و پاسخگویی	۰/۰۰۰	۱۸۵	۰/۰۰۰	-۴/۶	۰/۰۰۵	۹۱	۰/۰۰۰	-۲/۵۵
کیفیت مقررات	۰/۰۰۰	۱۵۴	۰/۰۰۰	-۵/۳	۰/۰۰۰	۱۳۱	۰/۰۰۰	-۴/۶
اثربخشی دولت	۰/۰۰۰	۱۲۶	۰/۰۰۰	-۶/۳	۰/۰۰۰	۸۲	۰/۰۰۰	-۳/۹
رشد تورم	۰/۰۰۰	۳۳۷	۰/۰۰۰	-۱۱/۹	۰/۰۰۰	۱۵۳	۰/۰۰۰	-۵/۸
رشد تولید ناخالص‌داخلی (سرانه)	۰/۰۰۰	۱۳۰	۰/۰۰۰	-۳/۱	۰/۰۰۰	۱۶۳	۰/۰۰۰	-۴/۹
رشد دستمزد	۰/۰۰۰	۳۶۲	۰/۰۰۰	-۱۰/۷	۰/۰۰۰	۱۸۴	۰/۰۰۰	-۶/۶
رشد جمعیت	۰/۰۰۰	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۵/۶	۰/۰۰۰	۶۴	۰/۰۰۱	-۲/۹

مأخذ: نتایج تحقیق.

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های پنل و داده‌های تلفیقی[1] (روش ترکیبی OLS) از آماره F لیمر با درجه آزادی (N-1, NT-K-N) استفاده می‌شود که K تعداد متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل، N تعداد مقاطع و T دوره زمانی می‌باشد. فرضیه H_0 این آزمون آن است که هر یک از مقاطع عرض از مبدأهای یکسانی داشته باشند (لزوم استفاده از داده‌های تلفیقی) و فرضیه مقابل H_1 اشاره به ناهمسانی عرض از مبدأهای هر یک از مقاطع دارد (لزوم استفاده از داده‌های پنل). به عبارت دیگر، از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \ldots = \alpha_N = \alpha \\ H_1 = \alpha_i \neq \alpha_j : i \neq j \end{cases} \quad (۲)$$

1. Pooling Data

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

با توجه به اطلاعات مدل آماره آزمون F عبارت خواهد بود:

جدول ٤. نتایج آزمون قابلیت تخمین مدل به‌صورت داده‌های پنل

نوع کشورها	مقدار آماره F	ناحیه بحرانی	احتمال
کشورهای توسعه‌یافته	۷/۰۲	۱/۷۲	۰/۰۰۰
کشورهای درحال‌توسعه	۱/۸۴		۰/۰۳۱۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

ملاحظه می‌شود آمارهF برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده‌ها به شیوه تلفیقی پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های پانل برآورده شود.

نتایج تخمین مدل برای کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته در جدول (۵) گزارش شده است. ستون دوم نشان‌دهنده ضرایب تخمین کشورهای درحال‌توسعه می‌باشد و ستون سوم جدول نشان‌دهنده ضرایب تخمین کشورهای توسعه‌یافته است.

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد شاخص ثبات سیاسی در هر دو دسته از کشورها تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته است، به گونه‌ای که یک درصد افزایش در ثبات سیاسی رشد بیکاری را در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۰/۱۹۵ درصد و در کشورهای درحال‌توسعه حدود ۰/۲۰۲ درصد کاهش می‌دهد. شاخص اثربخشی دولت تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه داشته است، اما ضریب این شاخص در کشورهای درحال‌توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. به‌نظر می‌رسد عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های خالی فرایند تولید در کشورهای درحال‌توسعه موجب شد تغییرات (افزایش) در شاخص اثربخشی دولت رشد بیکاری را در کشورهای درحال‌توسعه بیش از کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی تغییر (کاهش) دهد.

شاخص حاکمیت قانون تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه داشته است، به گونه‌ای که یک درصد بهبود در حاکمیت قانون رشد بیکاری را حدود ۰/۲۳ درصد (در کشورهای درحال‌توسعه) و حدود ۰/۰۹ درصد (در کشورهای توسعه‌یافته) کاهش می‌دهد. شاخص مبارزه با فساد در هر دو دسته از کشورهای مورد مطالعه تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته است، اما اندازه ضریب این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای درحال‌توسعه است، زیرا به‌دلیل مهیا بودن پتانسیل تولید و اشتغال در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای درحال‌توسعه مبارزه با فساد می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌تری بر سطح اشتغال کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای درحال‌توسعه داشته باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

همچنین، بر اساس نتایج تخمین می‌توان بیان داشت شاخص‌های کیفیت مقررات و حق اظهارنظر بر رشد بیکاری در کشورهای توسعه‌یافته تأثیر منفی و معنادار دارند، در حالی‌که این شاخص‌ها بر رشد بیکاری در کشورهای درحال‌توسعه تأثیر معنادار ندارد. همچنین، از آنجا که دولت و سیاست‌های اقتصادی آن تأثیر بسزایی در اقتصاد کشورهای درحال‌توسعه دارا می‌باشد، به‌نظر می‌رسد به‌منظور آنکه سیاست‌های اقتصادی در این کشورها اثرگذاری مورد انتظار دولت‌ها را داشته باشد، آنها شهروندان خود را در یک عدم اصمینان یا توهم نگه می‌دارند، زیرا ارتقاء شفافیت و پاسخگویی منجر به آن خواهد شد که شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی نسبت به سیاست‌های اقتصادی در حال اجرا واکنش‌های متناسب نشان دهند و بر این اساس اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی را خنثی کنند. از این رو، دولت در این کشورها زمینه‌های افزایش شفافیت و گسترش پاسخگویی را فراهم نمی‌کند، بنابراین شاهد تأثیر منفی اما بی‌معنای این شاخص بر بیکاری هستیم، در حالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته بخش خصوصی سهم قابل‌توجهی در اقتصاد این کشورها دارا می‌باشد، بنابراین انجمن‌ها، اصناف مختلف و سانه‌ها این قدرت را دارند که در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کشورشان وارد شوند و نسبت به سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده توسط دولت‌ها واکنش مناسب نشان دهند، بنابراین در این کشورها اثر شاخص شفافیت و پاسخگویی بر رشد بیکاری منفی و با اطمینان ۹۰ درصد معنادار است.

همچنین، در کشورهای درحال‌توسعه کیفیت مقررات تنظیمی بر رشد بیکاری بی‌تأثیر بوده است، زیرا از یک سو سیستم‌های نظارتی مناسبی جهت کنترل و اجرای به‌موقع قوانین در این کشورها وجود ندارد. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد قوانینی که تهیه و تنظیم می‌شوند کمتر متکی به پشتوانه‌های علمی و منطبق با واقعیات موجود در جامعه می‌باشند. از این رو، چون در کشورهای درحال‌توسعه قوانین و مقرراتی که تنظیم می‌گردد به‌سختی اجرا می‌شوند، بنابراین تأثیر معناداری بر رشد بیکاری ندارند، در حالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته تصمیم‌ها، سیاست‌ها و مقرراتی که توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شوند عمدتاً متکی به پشتوانه‌های علمی و بر اساس واقعیات جوامع می‌باشند. بنابراین به پشتوانه مبانی علمی امکان اعمال و اجرای آن افزایش می‌یابد. همچنین، این مقررات مکانیزم‌های بازاری و قیمتی همچون قیمت‌های نسبی عوامل تولید را بر اساس راهبردهای توسعه‌ای بیشتر مورد حمایت قرار می‌دهند و تکمیل می‌کنند. از این رو، افزایش کیفیت در مقررات منجر به بهبود فضای کسب وکار و افزایش بهره‌وری نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته می‌گردند. در این شرایط طبیعی است شاهد تأثیر منفی و معنادار کیفیت مقررات بر رشد بیکاری باشیم.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی(سرانه) نشان می‌دهد زمانی‌که اقتصاد یک کشور رشد داشته باشد بیکاری نیز کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، اگر تولید ناخالص داخلی یک درصد افزایش یابد رشد بیکاری حدود ۰/۱۶۷ درصد (در کشورهای درحال‌توسعه) و ۰/۳۰۹ درصد (در کشورهای توسعه‌یافته) کاهش می‌یابد. نرخ رشد جمعیت نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد بیکاری داشته است. ضریب این شاخص برای کشورهای درحال‌توسعه به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است، به‌طوری‌که با یک درصد افزایش در جمعیت کشورهای درحال‌توسعه شاهد افزایش ۰/۱۶۳ درصدی در رشد بیکاری خواهیم بود، در حالی‌که یک درصد افزایش در جمعیت کشورهای توسعه‌یافته بیکاری را تنها ۰/۱۲۴ درصد افزایش می‌دهد. علت این موضوع ناشی از ساختار اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه می‌باشد. نکته اساسی در این کشورها آن است که سرعت رشد جمعیت با روند کند رشد اقتصادی همخوانی ندارد و بی‌تردید با ضعف‌های اقتصادی موجود در کشورهای درحال‌توسعه علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته، اقتصاد این کشورها در حال حاضر قابلیت پاسخگویی به نیازهای جمعیت فعلی متقاضی کار و در صورت ادامه همین روند نسل بعدی را ندارد. البته باید پذیرفت در شرایطی که اقتصاد یک کشور از اوضاع مطلوبی برخوردار باشد، افزایش جمعیت عامل بسیار ارزشمندی برای رشد اقتصادی به‌حساب می‌آید، اما از آنجا که جمعیت افزوده‌شده در کشورهای درحال‌توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته به‌سختی می‌توانند وارد بازار کار شود، بنابراین شاهد تأثیر بیشتر رشد جمعیت بر بیکاری در کشورهای درحال‌توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته می‌باشیم. رشد دستمزدها در هر دو دسته از کشورها تأثیر مثبت و معناداری بر رشد بیکاری داشته است. رشد تورم در هر دو گروه کشورها تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته است که این موضوع تأییدکننده رابطه تورم و بیکاری منحنی فلیپس[1] کوتاه‌مدت است، به گونه‌ای که یک درصد افزایش در سطح قیمت‌ها (تورم) رشد بیکاری را حدود ۰/۱۷۵ درصد (در کشورهای درحال توسعه) و حدود ۰/۱۰۵ درصد (در کشورهای توسعه‌یافته) کاهش می‌دهد. ضریب متغیر وابسته باوقفه نشان‌دهنده کشش بیکاری می‌باشد. میزان این کشش برای کشورهای توسعه‌یافته معادل ۰/۰۶۸ درصد و برای کشورهای درحال‌توسعه معادل ۰/۰۹ درصد است.

1. Phillips Curve

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

جدول ۵. نتایج تخمین کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته طی دوره (۲۰۱۰- ۱۹۹۶) (متغیر وابسته: رشد بیکاری)

متغیرها	کشورهای درحال توسعه				کشورهای توسعه یافته			
	ضریب	Std.err	z	P>|z|	ضریب	Std.err	z	P>|z|
ثبات سیاسی	-۰/۲۰۲	۰/۰۹۸	-۲/۹	۰/۰۰۴*	-۰/۱۹۵	۰/۰۷۷	-۲/۵۳	۰/۰۱*
اثربخشی دولت	-۰/۱۹۴	۰/۰۹۳	-۲/۰۸	۰/۰۳۸**	-۰/۱۰۵	۰/۰۵۲	-۲/۰۳	۰/۰۴۳**
شفافیت و پاسخگویی	-۰/۰۵	۰/۰۷۹	-۰/۶۶	۰/۵۱۱	-۰/۰۶۹	۰/۰۴	-۱/۷۲	۰/۰۸۶***
کیفیت مقررات	-۰/۰۴	۰/۰۴۵	-۱/۰۹	۰/۲۷۵	-۰/۰۸۳	۰/۰۴۸	-۱/۷	۰/۰۸۷***
حاکمیت قانون	-۰/۲۳	۰/۱۲۳	-۱/۷۶	۰/۰۷۳***	-۰/۰۹	۰/۰۵۴	-۱/۸۱	۰/۰۷***
مبارزه با فساد	-۰/۲۰	۰/۰۷۷	-۲/۶۳	۰/۰۰۹*	-۰/۲۲	۰/۰۵۶	-۳/۶۷	۰/۰۰۰*
رشد تولید ناخالص‌داخلی (سرانه)	-۰/۱۶۷	۰/۰۸۵	-۱/۹۶	۰/۰۵۰**	-۰/۳۰۹	۰/۱۵۳	-۲/۰۲	۰/۰۴۳**
رشد جمعیت	۰/۱۶۳	۰/۰۵۹	۲/۷۴	۰/۰۰۶*	۰/۱۲۴	۰/۰۴	۲/۸۵	۰/۰۰۴*
رشد تورم	۰/۱۷۵	۰/۰۹۸	-۱/۷۸	۰/۰۷۵***	-۰/۱۰۵	۰/۰۴۹	-۲/۱۴	۰/۰۳۳**
رشد دستمزد	۰/۰۳۵	۰/۰۱۷	۲/۰۳	۰/۰۴۳**	۰/۰۶۴	۰/۰۳۱	۱/۹۷	۰/۰۴۹**
متغیر وابسته با وقفه	۰/۰۹	۰/۰۵۴	۱/۶۷	۰/۰۹۵***	۰/۰۶۸	۰/۰۴	۱/۶۶	۰/۰۹۶***
عرض از مبدأ	-۰/۰۲	۰/۰۷۱	-۰/۳۷	۰/۷۰	۰/۹۲	۰/۱۲۲	۷/۵۸	۰/۰۰۰*
مشاهدات	۲۴۰				۲۴۰			
J-Statistic	۵/۰۴				۷/۰۸			
Proob	۱/۰۰۰				۱/۰۰۰			
تعداد کشورها	۱۶				۱۶			

*، ** و *** به‌ترتیب معناداری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد.

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول (۶) نتایج تخمین مدل پنل پویا را زمانی‌که میانگین شاخص‌های حکمرانی به‌عنوان یک مؤلفه در مدل لحاظ شده‌اند نشان می‌دهد. همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌شود میانگین مؤلفه‌های حکمرانی در هر دو دسته از کشورهای مورد تاثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته‌اند. ضریب این متغیر برای کشورهای درحال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. متغیر رشد تولید ناخالص‌داخلی و رشد تورم در هر دو دسته از کشورها تأثیر منفی و معناداری بر رشد بیکاری داشته‌اند، در حالی‌که متغیرهای رشد جمعیت و رشد دستمزد تأثیر مثبت و معناداری بر رشد بیکاری داشته‌اند. حساسیت بیکاری برای کشورهای توسعه‌یافته معادل ۰/۱۰۶ درصد و برای کشورهای درحال‌توسعه معادل ۰/۱۱۵ درصد می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

جدول ۶. نتایج تخمین کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره (۲۰۱۰- ۱۹۹۶) (متغیر وابسته: رشد بیکاری)

متغیرها	کشورهای درحال‌توسعه				کشورهای توسعه‌یافته			
	ضریب	Std.err	z	P>|z|	ضریب	Std.err	z	P>|z|
میانگین مؤلفه‌های حکمرانی	-۰/۳۳	۰/۰۷۳	-۴/۶۱	۰/۰۰۰*	-۰,۲۶	۰/۰۶۳	-۴/۱۱	۰/۰۰۰*
رشد تولید ناخالص‌داخلی (سرانه)	-۰/۲۲۲	۰/۰۸۳	-۲/۶۸	۰/۰۰۷*	-۰,۳۳۷	۰/۱۵	-۲/۱۱	۰/۰۳۵**
رشد جمعیت	۰/۱۸۹	۰/۰۷۴	۲/۵۴	۰/۰۱۱**	۰,۱۰۲	۰/۰۳۸	۲/۶۹	۰/۰۰۷*
رشد تورم	-۰/۴	۰/۰۸۷	-۴/۶۸	۰/۰۰۰*	-۰,۱۳۲	۰/۰۴۳	-۳/۰۵	۰/۰۰۲*
رشد دستمزد	۰/۰۵۲	۰/۰۱۸۴	۲/۸۳	۰/۰۰۵*	۰,۰۵۸	۰/۰۳۴	۱/۷۲	۰/۰۸۶***
متغیر وابسته با وقفه	۰/۱۱۵	۰/۰۵۵	۲/۰۷	۰/۰۳۹**	۰,۱۰۶	۰/۰۴۴	۲/۴۲	۰/۰۱۶**
عرض از مبدأ	-۰/۰۷۲	۰/۰۷۸	-۰/۹۳	۰/۳۵۴	۰,۴۰۴	۰/۰۸۸	۴/۵۸	۰/۰۰۰*
مشاهدات	۲۴۰				۲۴۰			
J-Statistic Proob	۷/۷				۱۱/۰۱			
	۱/۰۰۰				۱/۰۰۰			
تعداد کشورها	۱۶				۱۶			

*، ** و *** به‌ترتیب معناداری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد.

مأخذ: نتایج تحقیق.

۵. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر رشد بیکاری دو گروه از کشورها توسعه‌یافته‌ها (حکمرانان خوب) و درحال توسعه‌ها (حکمرانان ضعیف) طی دوره زمانی (۲۰۱۰- ۱۹۹۶) با استفاده از روش پانل دیتا است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند بهبود شاخص‌های حکمرانی یک مؤلفه اساسی برای رشد اشتغال مستمر و باثبات است. یافته‌های مطالعه نیز بیانگر اثر منفی و معنادار شاخص‌های حکمرانی بر رشد بیکاری هر دو گروه است. حکمرانان در کشورهای موفق از طریق بهبود مؤلفه‌های حکمرانی (شفافیت و پاسخگویی، مشارکت مردم و رسانه‌ها در نقد و تصمیم‌سازی، ثبات سیاسی و امنیت داخلی، اثربخشی دولت در تأمین کالای عمومی، کیفیت تنظیم‌گری مقررات و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب و کنترل قدرت سیاستمداران در چارچوب قانون) انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی را تحریک می‌کنند که موجب افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شود. همچنین، یافته‌های تحقیق بر این مسئله دلالت دارند که کاهش رشد دستمزدها، تورم و جمعیت تغییرات مثبتی را در جهت کاهش رشد بیکاری هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه برجای می‌گذارد. با توجه به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

اینکه حکمرانی خوب عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت و در نهایت بهبود شرایط اشتغال است می‌بایست کشورهای مورد مطالعه به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه به این مؤلفه جدی و حیاتی اهمیت ویژه‌ای دهند. با توجه به اینکه وضعیت شاخص‌های حکمرانی در کشورهای درحال‌توسعه مناسب نبوده است، در ادامه پیشنهاداتی به‌منظور بهبود وضعیت این مؤلفه‌ها در کشورهای درحال‌توسعه ارائه می‌گردد:

- تأکید بر ایجاد فضای سیاسی باثبات در جامعه و توجه بیشتر به آراء و نظرات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی که زمینه بروز هرگونه آشوب، اعتراض، اغتشاش، کودتا، تروریست و حتی جنگ داخلی که ریسک سقوط و نابودی دولت را افزایش می‌دهد، برطرف سازد. این موضوع آرامش خاطر، اطمینان و انگیزه بیشتری جهت سرمایه‌گذاری مولد و تشکیل سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه و شروع کسب وکار جدید را فراهم سازد، بنابراین استفاده از ظرفیت‌های موجود و بالقوه در جامعه زمینه بهبود رشد اشتغال را ایجاد می‌کند.

- تمرکز بر اثربخشی دولت در انجام وظایف محول شده همچنین تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز به‌منظور کاهش هزینه‌های مبادلاتی برای بنگاه‌ها، افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود شرایط اشتغال صورت گیرد.

- ایجاد قوانین و مقررات با کیفیت و شفاف، به طوری‌که این تنظیم‌گری و سیاستگذاری اقتصادی در جهت رفع نقایص و کاستی‌های مکانیزم بازار باشد.

- تأمین قضایی، حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و معنوی و ضمانت اجرای قراردادها به‌منظور ایجاد و تحریک انگیزه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد، نوآورانه و مبتکرانه که بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی آن قابل توجه است.

- اجازه فعالیت گسترده رسانه‌ها و انجمن‌ها به‌منظور گسترش شفافیت در جامعه و افزایش پاسخگویی مسئولین در مورد سیاست‌هایی که اجرا شده یا در حال اجرا می‌باشد.

منابع

خادم، هادی (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

دباغ، سروش و ندا نفری (۱۳۸۸)، "تبین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب"، *فصلنامه مدیریت دولتی*، سال ۴۴، شماره ۸۶ صص ۱۳۰-۱۰۹.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

رضایی، مهدی (۱۳۸۶)، "تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی"، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۰۴-۸۵.

شریفی، نورالدین (۱۳۹۰)، "اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم: یک تحلیل داده – ستانده"، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، سال ۴۶، شماره ۹۵، صص ۹۵-۷۸.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان (۱۳۸۹)، "حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب"، *فصلنامه راهبرد یاس*، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۶۸-۱۲۹.

علیزاده‌ثانی، محسن و علی‌اصغر فانی (۱۳۸۶)، "تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع"، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره‌های ۱و۲، صص ۲۴-۱۷.

کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۷)، "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD"، *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۴-۱.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مهدوی‌عادلی بحرینی، محمدحسین و افسانه جوادی (۱۳۸۷)، "تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط"، *مجله دانش و توسعه*، سال نهم، شماره ۲۴، صص ۱۰۶- ۸۷

مقداری، منصوره (۱۳۸۷)، *بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۶۳)*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

هادیان، ابراهیم و زینب رضایی‌سخا (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر شوک‌های اقتصادی بر نرخ بیکاری در ایران"، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، سال ششم، شماره۱، صص ۵۰– ۲۷.

Badun, M. (2005), "The Quality of Governance and Economic Growth in Croatia", *Financial Theory and Practice,* Vol. 29, No. 4, PP. 279-308**.**

Baro, R. (1996), "Democracy and Growth", *Journal of Economic Growth,* Vol 3. No. 1, PP. 1-27.

Brunetti, M., Kisunko, G. & B. Weder (1998), "Economic Growth with Incredible Rules Evidence from a World Wide Private Sector Survey", *The World Bank Economic Review,* Vol. 12, No. 3, PP. 353-384.

Chaudhry, I., Nawaz Khan, K., Rasool, S. & S. Malik (2009), "Factors Affecting Good Governance in Pakistan: An Empirical Analysis", *European Journal of Scientific Research,* Vol. 35, No. 3, PP. 337-346.

Costa, A. (1985), "Multilateralism Under Threat: Causes, Impact, and the Policy Debate on Government Intervention in Trade", *Journal of Policy Modeling,* Vol. 7, No. 1, PP. 181-217.

Clague, C., Keefer, P., Olson, M. & S. Knack (1996), **"**Property and Contact Rights in Autocracies and Democracies", *Journal of Economic Growth,* Vol. 1, No. 2, PP. 243-276.

Ihlanfeldt, K. & T. Boehm (1987), "Government Intervention in the Housing Market: An Empirical Test of the Externalities Rationale", *Journal of Urban Economics,* Vol. 22, No. 3, PP. 276-290.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

Kaufmann, D., Kraay, A. & M. Mastruzzi (2004), "Governance Matters III: Governance Indicators for 1996, 1998, 2000, 2002", *The World Bank Economic Review,* Vol. 18, No. 2, PP. 253-287.

Kalirajan, K. (1992), "Modeling Earnings Distorting Government Intervention: The Case of Singapore's Managerial Earnings", *Journal of Comparative Economics,* Vol. 16, No. 1, PP. 105-117.

Meon, P. & L. Weill (2005), "Does Better Governance Foster Efficiency? An Aggregate Frontier Analysis", *Economics of Governance,* Vol. 6, No. 2, PP. 75-90.

Mark, R. (2007), "The Politics of Successful Governance Reforms: Lessons of Design and Implementation", *Common Wealth and Comparative Politics,* Vol. 45, No. 4, PP. 521-548.

Murphy, P. (1989), "Universities, Government Intervention and the Commission for Higher Education in Papua New Guinea", *International Journal of Educational Development,* Vol. 9, No. 3, PP. 175-182.

Mohammed, A. & E. Strobl (2007), "Good Governance and Growth in Developing Countries: A Case Study of Regulatory Reforms in the Telecommunications Industry", http://ceco.polytechnique.fr.

Porte, C. (2007), "Good Governance Via the OMC? The Cases of Employment and Social", *European Journal of Legal Studies,* Vol. 1, No. 1, PP. 138-171.

Persson, T. & G. Tabellini (1990), "Macroeconomic Policy, Credibility and Politics", *Journal of International Economics,* Vol. 32, No. 1, PP. 193–195.

Sinn, H. (1986), "Vacant Land and the Role of Government Intervention", *Regional Science and Urban Economics,* Vol. 16, No. 3, PP. 353-385.

Soltwedel, R. (1988), "Employment Problems in West Germany the Role of Institutions, Labor Law and Government Intervention", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy,* Vol. 28, No. 1, PP. 153-219.

Samanta, D. & D. Roy (2009), "Good Governance and Employment Generation through NREGA: A Case Study of Gram Panchayat in West Bengal", Conference Proceeding: 01/2009; In Proceeding of: 21st Skoch Summit on 'Infrastructure, Finance and Governance: Push for Growth', At New Delhi, India.

Stiglitz, J. (1986), *Economics of the Public Sector,* Edition: 2, Publisher**:** W. W. Norton & Co Inc.

Tiede, L. & S. Haggard (2011), "The Rule of Law and Economic Growth: Where are We?", *World Development,* Vol. 39, No. 5, PP. 673-685.

Tanzi, V. & L. Schuknecht (1997), "Reforming Government: An Overview of Recent Experience", *European Journal of Political Economy,* Vol. 13, No. 3, PP. 395-417.

WDI, Available at: http: //www.worldbank.org.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]